

تاریخ نقاشی های آسیا و جلوه های آن

۹

ترجمه و تلخیص نوشین نقیسی
از آلبوم روزه بوشه

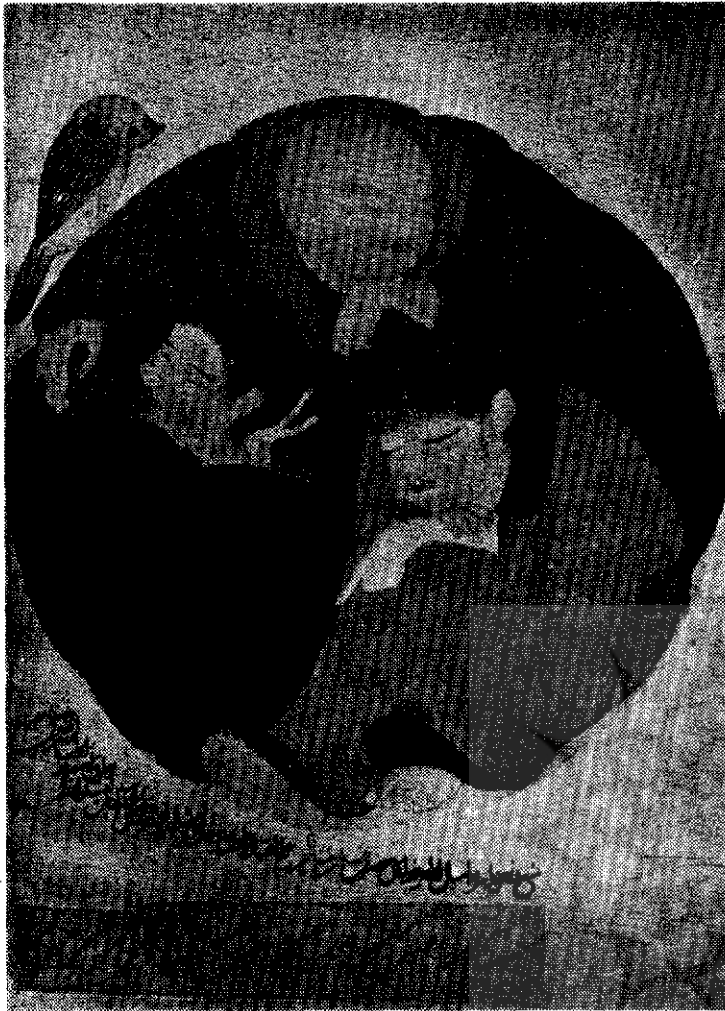
راه یافتند. پس از تشکیل خلافت عباسیان در بغداد گروه محافظین خلیفه را تشکیل دادند و در کارهای خلافت نقش مهمی را بازی کردند، سپس حکومت های کوچکی در مشرق تأسیس کردند و بالاخره یکدسته آنها بنام ترکان سلجوقی بطرف امپراطوری روم شرقی متوجه شدند و حلب و دمشق و چند شهر آسیای صغیر را تصرف نمودند و قونیه را پایتخت خود ساختند. ترکانی که اسلام پذیرفته بودند در قونیه مرکز فرهنگی بزرگی ایجاد کردند که طی قرنهای یازدهم و دوازدهم میلادی برجای بود و مکتب دراویش این شهر هنرمندانی چون بدرالدین تبریزی (نقاش و معمار)، بدرالدین یواشی تقدیم جامعه کرد.

درفن تذهیب کتاب نیز که در این قرن ها رونق بسیار گرفت، فتحی فصیحی و عین الدوله و مولوی سهم بسزائی داشتند (شکل ۱).

حکومت ترکان سلجوقی کم کم ضعیف شد بطوریکه نتوانست در مقابل حمله مغول پایداری کند و تا پشت دروازه های شهر قونیه عقب نشستند گرچه ترکان عثمانی که بیاری آنها آمدند مغولان را مجبور بعقب نشینی کردند، ولی فرهنگ آنها باسانی بداخل سرزمین آسیای صغیر راه یافت و مکتب های هنری که در بخارا و سمرقند رونق داشت بمغرب آسیا نیز راه یافت و در نتیجه مینیاتورسازی ترك را غنی تر ساخت و آنها را با نقش هائی چون امواج آب و ابرهای آسمان آشنا ساخت. در این

ترکیه - هنرمندان ترکیه قبل از آنکه فن نقاشی اروپائی را اقتباس کنند، مینیاتورسازی بودند که کم و بیش تحت نفوذ هنری ایرانیان، هندوان و مغولان کار میکردند، بدون آنکه کورکورانه از آنها تقلید نمایند. ترك ها همیشه تمایل بسیاری به نشان دادن حرکت و احساس داشتند و طبیعتاً رئالیست و مخالف پیرو سبک های مبهم آبستره بودند، گرچه طرح آنها ساده تر و کمپوزیسیون آنها معمولی تر از ایرانیان بود ولی برویهم ساخته های آنها جنبه انسانی بیشتری داشت.

هنرمندان ترکیه رنگ های تند و ساده را برویهم کار میکردند بدون آنکه سایه و روشنی داشته باشند و چین پارچه ها را با خطوط ساده و گاهگاهی با خطوط طلائی نشان میدادند. برای آنکه بهتر بتوانیم تکامل هنری این قوم را درك کنیم، باید به مبدأ نژادی آنها و مختصری از تاریخ آنها بازگردیم. در قرنهای اولیه میلادی این اقوام بصورت ملوک الطوائفی در آسیای مرکزی پراکنده بودند و مهمترین حکومتی که تشکیل دادند بنام تورکو معروف است بعدها بطرف مغرب مهاجرت کردند و در ترکستان شهر تورفان را بنا نمودند که حفریات باستان شناسی پیش از جنگ اخیر آتارزیائی از قبیل نقاشیهای دیواری و مینیاتور بر روی کاغذ پوست آهو و پارچه و کتابهای خطی بسیار از میان شن های صحرا بدست آورده که در تمام آنها نفوذ هنری چین آشکار است. سپس بداخل امپراطوری ساسانی



شکل ۲ - صفحه‌ای از مرقع - قرن سیزدهم تا پانزدهم - موزه تاپکاپوسرای



شکل ۱ - نقاشی آبرنگ - قرن پانزدهم - موزه تاپکاپوسرای

که از يك آيه قرآن شاهکاری از تعادل و هماهنگی وحتى تفنن و تجمل میساختند .

پس از چند سال تصویر مخلوقات در کتابهای هنرمذهبی پذیرفته شد و هنرمندانیکه پیوسته در صدد بودند که از محیط تنگی که مقررات مذهبی برای آنها ایجاد کرده بود رهائی یابند پس از طی دو مرحله پیروز شدند ، باین ترتیب که فکریابی را که ابتدا با ساختن تصویر طبیعت که شگفت‌ترین مظهر قدرت الهی است بمردم تلقین کردند . پس از موفقیت در این مرحله جسارت پیدا کرده و بساختن صورت مخلوقات جاندار که صورت آنها نیز ستایش خالق جهان باشد مشروط بر آنکه هیچگونه پلبیدی و زشتی روانی و جسمانی را آشکار نسازد پرداختند .

مورد نیز ترکان از سبک‌های مرسوم سمرقند و بخارا آنچه را که بتکامل سبک رئالیسم آنها کمک میکرد اقتباس کردند (شکل ۲) . ترکان عثمانی پس از آنکه مستقلاً حکومت تشکیل دادند و با امپراطوری رم شرقی (بیزانس) بجنگ پرداختند و در قرن چهاردهم قدرت بسیاری بدست آوردند و شهر بروس را بپایتختی انتخاب کردند و تماس نزدیک با هنر عیسوی پیدا کردند و عکس‌العملی که در مقابل نقاشی مذهبی عیسوی نشان دادند منحصر کردن نقاشی بطرح‌های کاملاً تذهیبی (بدون صورت انسان و حیوان) بود که باعث رونق فن خوشنویسی شد . خوشنویسی در تزیین ابنیه نیز نقش بسیار مهمی داشت ، این هنر که فقط سازنده آن در قید خطوط بود چنان پیشرفتی کرد



شکل ۴ - خنیاگران - مینیاتور قرن هفدهم - موزه لوور پاریس



شکل ۳ - سلطان سلیمان عثمانی - مینیاتور قرن شانزدهم - موزه تاپکاپوسرای

چون بابانقاش ، احمد نقشی ، مصطفی سای ، حمید نگاری و غیره رابدورخودگرد آورده بود . این پیشرفت درطی قرون هفدهم و هجدهم میلادی نیز ادامه داشت ولی بموازات مینیاتورسازی فن نقاشی رنگ روغن را که بتازگی از اروپائیان آموخته بودند نیز بکار میبردند وسایه روشن نیز ازین بعد در ساخته های آنها دیده میشود (شکل ۴) .

مشهورترین هنرمند قرن هیجدهم ترکیه لوی (Levi) است که صورت درباریان با لباسهای فاخر و میخوارگان و لگرد را با دقت یکسان رسم کرده است (شکل ۵) .

سلطان عبدالعزیز نیز در پیشرفت نقاشی در ترکیه نقش مؤثری داشت ، این سلطان که شخصاً نیز نقاشی میکرد تعلیم آنرا در مدارس نظامی اجباری کرد و ازین بعد ، ما نظامیان را

باین ترتیب با محدود نمودن استلیزاسیون به رئالیسم نزدیکتر شدند بدون آنکه مهارت چینی ها و ایرانی ها را در این فن بدست آورند .

بافتح قسطنطنیه بدست سلطان محمد دوم (۱۴۵۳) افق تازه تری بر روی نقاشان ترك گشوده شد و هنر عیسوی را که احساسات را بیش از ظواهر دنیائی نشان میداد با آنها شناساند و از این مفهوم جدید هنرمندانی چون نقاش علی ، چاری وصفی و کمال الدین بهزاد استفاده فراوان بردند (شکل ۳) .

سلطان سلیمان ، هنرمندان ایرانی را بباخاک ترکیه دعوت کرد ، آنها نیز بر رونق مینیاتورسازی این سرزمین افزودند و هنر صورت سازی (پرتره) پدید آمد . نقاش عثمان که بادقت بسیاری صورت های مرجان را رسم میکرد گروه هنرمندانی

می بینیم که با دقت يك ریاضی دان و مراعات قوانین پرسپکتیو طراحی کرده اند .

خوی تژادی ترکها همیشه آنها را بطرف رئالیسم متمایل میکرد و از طبیعت ، باوفای کامل تقلید کرده اند .

سفر احمد پاشا به فرانسه و آشنائی او با نقاشان آن عهد ، رنوار (Renoir) کوربه (Courbet) و سزان (Cézanne) که بشدت با آکادمیسم بیروح میجنگیدند هنرمندان جوان ترك را بیشتر بامپرسیونیسم متمایل کرد و اغلب آنها راه کارگاههای فرانسه و ایتالیا را در پیش گرفتند که از میان آنها میتوان ابراهیم چالی، علیرضا، حکمت اوفات و نظامی ضیاء را نام برد (شکل ۶).

شکل ۵ - لونی - مرد آلمانی - قرن نوزدهم -
موزه ناپکاپوسرای



شکل ۶ - رقص درویشان - قرن نوزدهم